

انترناسیونال

۵۷

دوره دوم

جمعه، ۲۴ مهر ۱۳۸۳

۱۵ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سرمدیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

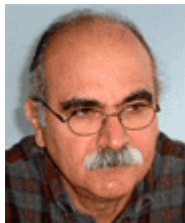
www.m-hekmat.com

گفتگوی شهلا دانشور با
آرش سمیعی
صفحه ۶

قرار در مورد
شورا و جنبش شورائی
صفحه ۶

مصاحبه با مینا احدی در
مورد پناهندگان ترکیه
صفحه ۵

اطلاعیه تغییر طول موج
رادیو انترناسیونال
صفحه ۳



گفتگو با حمید تقوایی

درباره قرار شورا و جنبش شورائی

یک جزء همیشگی کار رهبری حزب است که در هر مقطع اولویتها را تشخیص بدهد و روشن کند که فعالیت عملی حزب در کدام عرصه ها و بر چه شعارها و اهداف مشخصی باید متمرکز شود. قرار شورا در واقع اعلام میکند که دامن زدن به جنبش

صفحه ۲

به جنبش شورائی و تشکل عملی شوراها در شرایط حاضر تاکید میکند. این تاکید گذاشتن بر جنبه خاصی از سیاستها و اهداف مبارزاتی حزب جزئی از سبک کار و شیوه فعالیت همیشگی ماست. برنامه یک دنیای بهتر و سیاستها و شعارهای حزب بسیار جامع است و عرصه های وسیع و متنوعی را میپوشاند. لذا این

و جنبش شورائی تداعی میشود، ضروری است در شرایطی که از لحاظ سیاسی و توازن قوا شرایط مساعد است پیشقدم تشکیل عملی مجامع عمومی و شوراها باشد. ضرورت قرار شوراها از اینجا ناشی میشود. این قرار در واقع از لحاظ مضمونی سیاست تازه ای را مطرح نمیکند بلکه بر اهمیت و میرمیت ویژه دامن زدن

انترناسیونال: یک بخش مهم ادبیات حزب درباره شوراها و جنبش شورائی است. همینطور جنبش شورائی یکی از مولفه های هویتی کمونیسم کارگری است. چرا این قرار لازم شده است؟
حمید تقوایی: دقیقاً به این دلیل که حزب ما همیشه مدافع و مبلغ شورا بوده است و با شوراها

ستون اول سیاوش دانشور

کودکان مقدم اند!

روز جهانی کودک مردم آزادیخواه و نهادهای مدافع حقوق کودک گل کاشتند. شعارها و قطعنامه های مطرح شده در این اجتماعات حرف دل اکثریت عظیم مردم ایران است. حرف دل طبقه کارگر، زنان و مردان آزاد منش، نسل جدید و خود کودکان است. این روز تصویر جدیدی از جامعه ایران به دنیا مخابره کرد. تصویری که هیچ سنخیتی با فرهنگ شرقی و ملی - اسلامی ندارد، جدید است و تماماً متکی به نگاه بشریت آوانگارد در جوامع غربی به حق و عدالت و در اینجا حقوق کودکان است. این حرکتی امروزی، مدرن، عمیقاً انسانی و آزادیخواهانه بود که تمایلات واقعی مردم را نشان میدهد. مردمی که بطور طبیعی عدالت خواه اند، نودوست اند، چپ اند و خواهان تغییرات ریشه ای در وضعیت موجود اند.

قاضی وحشی رژیم اسلامی به عاطفه رجبی ۱۶ ساله تجاوز میکند و بدست خود به دار میکشد، مردم میگویند اعدام کودکان ممنوع! رژیمی که دهها هزار کودک را در جنگ ارتجاعی ایران و عراق وسیله پاک کردن میدان مین کرده و هنوز مینهای بجای مانده از دوران جنگ کودک میکشد و مردم علیه آن کمپین میکنند! رژیمی که کودکان مهاجر و کودکان خانواده کارگری را محکوم به کار در خیابان و محرومیت از تحصیل کرده و مردم میگویند کار کودکان تحصیل است! اجتماعات اخیر در شهر ری و پارك لاله تهران و سنجق و سقز و مریوان و کامیاران، پاسخی بود به فاجعه قتل سریال کودکان در پاکدشت، پاسخی بود به

صفحه ۶

صحنه واقعی انتخابات در ایران

سیاوش مدرسی
siamodarresi@yahoo.de

صفحه ۶

کرور کرور روزنامه نگار به اصطلاح مستقل، غیر مستقل، نیمه مستقل و یا تا اندازه ای مستقل بسیج شده اند تا بازار مضحکه انتخابات رئیس جمهوری در ایران را گرم کنند. * گزارش از کاندید کردن میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی در دوران جنگ ایران و عراق و در زمان حیات خمینی از طرف سران دو خردادی های لانه کرده در "مجمع

انترناسیونال: انتخابات افغانستان زیر سلطه پنجاه هزار پلیس، ارتش تازه تاسیس افغانستان و نیروهای نظامی آمریکا و موتلفین برگزار شد. مفسران دولت آمریکا و برخی دولت‌های غربی از پیروزی

صفحه ۴

گفتگو با علی جوادی



انترناسیونال ضمیمه شماره ۵۷ منتشر شد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ گفتگو با حمید تقوایی

شورائی و دست بکار شدن برای تشکیل مجامع عمومی و شورا یکی از این اولویتها در شرایط حاضر است.

انترناسیونال: قرار اشاره میکند که "با اوچگیری جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی سازماندهی توده ای مردم به يك امر روز و عاجل تبدیل شده است". آیا سازماندهی توده ای مردم مختص دوره سرنگونی است؟ آیا از این نکته ممکن نیست چنین استنباط شود که مثلا اتحادیه برای دوره متعارف و شورا برای دوره انقلابی مناسب است؟ منظور چیست؟

حمید تقوایی: قرار بر مبرمیت و عاجل بودن سازماندهی توده ای مردم اشاره میکند. سازماندهی توده ای مردم يك امر همیشگی ماست، ولی در شرایطی که شاهد برآمد و وسعتگیری بیسابقه مبارزات مردم در بخشهای مختلف جامعه هستیم، این وظیفه همیشگی در صدر فعالیتها ما قرار میگیرد و باید بیش از پیش و با تمرکز و صرف انرژی بیشتری برای عملی کردن آن تلاش کنیم. حزب ما همیشه بر تشکیل مجامع عمومی تاکید داشته است. مجمع عمومی موثرترین و قوی ترین شکل تشکل مبارزاتی است و شورا در واقع چیزی بجز مجمع عمومی منظم نیست. به این دلایل حزب ما همیشه ضمن طرح و توصیه و حمایت از انواع تشکلهای مبارزاتی که کارگران و مردم معترض علی العموم میتوانند و باید در هر شرایطی تشکیل دهند، مشخصا فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری را به تشکیل مجمع عمومی فراخوانده است.

این تصور که اتحادیه مختص شرایط متعارف و شورا متناسب با شرایط انقلابی است کاملا اشتباه است. شرایط "متعارف" در ایران کاپیتالیستی، تا زمانیکه طبقه سرمایه دار در هیات سلطنت و یا اسلام و یا هر شکل دیگری حاکم باشد، چیزی جز اختناق و دیکتاتوری خشن و عریان نخواهد

بود و این شرایط، سازمانیابی توده ای کارگران و مردم نه تنها در شورا بلکه در اتحادیه ها و یا هر شکل دیگر را بسیار مشکل میکند. ما نه در نظام شاهنشاهی شاهد شکل گیری اتحادیه های واقعی کارگری بودیم و نه در جمهوری اسلامی. دیکتاتوری "کار ازان، کارگر خاموش" هیچ تشکل "متعارفی" را برسمیت نمیشناسد. باید برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری جنگید و آنرا به حکومت تحمیل کرد. مقطع انقلاب ۵۷ تا خرداد ۶۰ دوره ای بود که انقلاب دیوارهای اختناق را شکست و شرایطی را بوجود آورد که کارگران و مردم علی العموم توانستند در سازمانهای توده ای متشکل شوند. در این شرایط همه شاهد بودیم که شوراها عمومیت پیدا کرد و به شکل غالب تشکلیابی کارگران در کارخانه ها و عموماً مردم در دانشگاهها و ادارات و سایر محیطهای کار تبدیل شد. علت این نبود که انقلاب تنها امکان ایجاد شورا را فراهم کرده بود، و یا در شرایط غیر متعارف انقلابی تشکیل اتحادیه ها ممکن نبود. موضوع این بود که کارگران، دانشجویان و کارمندان نیز، در اولین فرصتی که برای متشکل شدن بدست آمد، به شوراها روی آوردند. بیشک انقلاب شوراها را در يك سطح وسیع اجتماعی مطرح کرد و مطلوبیت و کارائی آنها به توده مردم نشان داد، اما از اینجا نمیشود نتیجه گرفت که شورا تنها در شرایط انقلابی ممکن است. نتیجه گیری درست و واقعی اینست که هرگاه تناسب قوا تشکیل هر نوع سازمان توده ای را در ایران اجازه بدهد کارگران و مردم به شوراها روی می آورند. در جامعه اختناقزده ای مثل ایران نمیشود شرایطی را تصور کرد که کارگران بتوانند اتحادیه های واقعی خود را تشکیل بدهند ولی تشکیل شوراها ممکن یا مطلوب نباشد. آنچه تجربه انقلاب ۵۷ بروشنی نشان میدهد این واقعیت است که هرگاه بندهای اختناق سست شود و نفس

سازمانیابی توده ای در هر شکلی برای کارگران ممکن شود، میتوان و باید تشکلهای شوراها را در دستور گذاشت. قرار شوراها وقتی به اوچگیری جنبش سرنگونی اشاره میکند از همین واقعیت حرکت میکند. جنبش وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی عملاً شرایطی را بوجود آورده است که هم سازمانیابی توده ای مردم و بویژه مجامع عمومی و شوراها را امکانپذیر میکند و هم به آن مبرمیت میدهد.

نکته مهم دیگری که در مورد ضرورت دامن زدن به جنبش شورائی در این شرایط باید به آن اشاره کرد رابطه شورا و جنبش شورائی با مساله قدرت سیاسی است. امروز مساله قدرت سیاسی، سرنگونی حکومت و خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی يك مساله و خواست عمومی و عاجل اکثریت قریب باتفاق مردم ایران است. در این شرایط بلند کردن پرچم شوراها و دامن زدن به جنبش شورائی این زمینه را فراهم میکند که ایده حکومت شورائی و حق مردم در دخالت مستقیم و بیواسطه در حکومت را بمیان توده کارگران و مردم ببریم و تصویر روشنی از جمهوری سوسیالیستی بعنوان يك حکومت شورائی در برابر جامعه قرار بدهیم. امروز به یمن مبارزات و فعالیتهای مستمر حزب روی آوری به افق و آرمان و ایده ها و شعارهای چپ در جامعه و در جنبش سرنگونی رو به گسترش است. مشخصاً در برآمدهای جنبش اعتراضی مردم ما شاهد طرح شعارهای چپ در خیابانها هستیم. آخرین نمونه اش طرح شعار "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم دوی درد مردم" در تظاهرات هفته قبل در تهران بود. بر چنین زمینه مساعدی وظیفه ماست که افق جمهوری سوسیالیستی را هر چه ملموس تر و مشخص تر در برابر جامعه قرار بدهیم. بلند کردن پرچم شوراها، تاکید بر اعمال اراده و نقش مستقیم مردم در حاکمیت و به این اعتبار نقد عمیق دموکراسی پارلمانی، نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در نقد همه

آلترناتیوهای بورژوائی در اپوزیسیون، اینها همه جزئی از مطرح و توده گیر کردن سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی در میان کارگران و اقشار وسیع مردم سرنگونی طلب است. این یکی از حلقه های اصلی در استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی است.

انترناسیونال: تفاوت شورا بعنوان ارگانهای توده ای مبارزه مردم و طبقه کارگر و شورا بعنوان ارگان جمهوری سوسیالیستی کدامند؟

حمید تقوایی: روشن است که مضمون فعالیت و اهداف شورا بعنوان ارگان مبارزه و ارگان حکومت با هم متفاوتند. یکی تشکلی برای اعتراض و مبارزه علیه کارفرما یا دولت و تحقق مطالبات معینی است و دیگری پایه حکومت و ابزار اعمال اراده کارگران و مردم بعنوان دولت است. آنچه باعث میشود هر دو این نوع تشکلهای شورا بنامیم شکل سازمانی آنهاست. شورا اصولاً نوعی تشکل است که میتواند مضمون و اهداف متفاوتی داشته باشد. وجه مشخصه این شکل تشکل فراگیر بودن آن و اعمال اراده مستقیم همه اعضای آن در تصمیم گیریها و عملی کردن این تصمیمات است. این هم در مورد شورا بعنوان تشکل مبارزاتی صادق است و هم در مورد شورا بعنوان ارگان حکومت. بدنه اصلی و مبنای شورا در هر دو حالت مجمع عمومی اعضاست و همین ویژگی است که این ارگان را در هر دو ظرفیت به ارگان عمال اراده مستقیم مردم تبدیل میکند، و در هر دو ظرفیت میتواند بعنوان مناسب و مساعد ترین ظرف تشکلیاتی برای عملی کردن سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی عمل کند. از شورا خودبخود رادیکالیسم و سوسیالیسم ساطع نمیشود ولی شورا و در يك سطح عامتر مجمع عمومی ظرف طبیعی گسترش و توده گیر شدن سیاستهای کمونیستی و کسب نفوذ و محبوبیت برای حزبی مثل حزب ماست.

نکته دیگر در فرق بین شورا بعنوان ارگان مبارزه و بعنوان ارگان حکومت، ترکیب اعضا و دامنه

شمول این تشکل است. شوراها بعنوان ارگان حکومت در محل سکونت مردم تشکیل میشوند و ارگانهای منطقه ای هستند ولی شوراها مبارزاتی در همه سطوح هم در کارخانه ها و محل کار و هم در محل سکونت میتوانند تشکیل بشوند. این تفاوت از اینجا ناشی میشود که حکومت شورائی در جمهوری سوسیالیستی باید کل مردم جامعه را بعنوان شهروند نمایندگی کند و ارگان اعمال اراده تمام شهروندان باشد و لذا تنها میتواند بر مبنای تقسیمات شهری تشکیل بشود. در حالیکه شوراها مبارزاتی در عرصه ها و محیطهای شکل میگیرند که موضوع و مساله ای برای اعتراض وجود داشته باشد یعنی اساساً در کارخانه ها و محیطهای کار و دانشگاهها و همینطور با پیشرفت و وسعت گیری مبارزه در محله های مسکونی و در سطح شهرها. همانطور که در بالا اشاره کردم وجه مشترک این شوراها در اتکای آنها به مجامع عمومی است. و همین خصلت آن را در امر مبارزه و حاکمیت هر دو به يك تشکل ایده ال برای فعالیتهای چپ و کمونیستی تبدیل میکند.

انترناسیونال: معنی عملی و فوری دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری چیست؟ چه اقدامات عاجلی در دستور فعالین و رهبران عملی کارگری قرار میگیرد؟ تاکیدها کدامند؟

حمید تقوایی: مجامع عمومی را باید در دل مبارزات روزمره تشکیل داد. هم اکنون در موارد متعددی در اعتراضات و مبارزات کارگران مجمع عمومی کارخانه و یا بخشی از کارخانه تشکیل میشود و میتوان گفت در حال حاضر هر جا کارگران متشکل میشوند، مجمع عمومی شکل غالب تشکلیابی کارگران است. مساله اینست که اولاً این شکل تشکل باید در سطح گسترده تری تعمیم پیدا کند و کارخانه ها و کارگران بمراتب بیشتری را در بر بگیرد و ثانیاً به يك سنت مستمر و

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

اطلاعیه

تغییر طول موج رادیو انترناسیونال

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال از ۳۱ اکتبر برابر با ۱۰ آبان، روی طول موج زمستانی پخش میشود.

از ۱۰ آبان، برنامه های رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۹ به وقت تهران، روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز پخش میشود.

تا ۱۰ آبان، برنامه های رادیو موقتا و بدلیل تغییر ساعت در ایران، ساعت ۸ شب به وقت تهران روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود.

لطفا تغییر طول موج رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید.

مدیر رادیو انترناسیونال،

سیاوش دانشور

همین امروز فراخوان تشکیل شوراهای را میدهد؟

حمید تقوائی: همانطور که اشاره شد شورا چیزی بیشتر از مجمع عمومی ادامه کار که منظما تشکیل میشود نیست. در شرایط امروز تشکیل مجمع عمومی کاملا امکان پذیر است اما برای تبدیل آن به یک تشکل پایدار به وقت بیشتر و مبارزه همه جانبه تری نیاز هست. نه تنها به این خاطر که اختناق مانع ماست، و توازن قوا اجازه نمیدهد. این مانع اصلی نیست، بلکه اساسا به این دلیل که فعالین جنبش شورائی به شکل علنی و همبسته عمل نمیکنند. پرچم شوراهای را باید علنا در سطح جامعه بلند کرد و تشکیل آنها را در دستور گذاشت. این خود پیش شرط تغییر توازن قوا به نحوی است که بتوان عملا شوراهای را تشکیل داد. تشکیل شورا همین امروز عملی نیست ولی سازمان دادن یک جنبش قدرتمند با خواست و برای برپائی شوراهای همین امروز و فورا عملی است. تنها کفایت فعالین جنبش کارگری سنتهای دست و پاگیر مخفی کاری را به کنار بگذارند و برای سازمان دادن جنبش شورائی بر مبنای رهنمودهای حزب در بحث حزب و جامعه در ایران دست بکار بشوند. حزب ما تمام توان خود را در خدمت این امر بکار خواهد گرفت.

انترناسیونال: شعار "زنده باد شورا" و "پیش بسوی تشکیل شوراهای" چه پیامی دارد؟ منظور چیست؟

حمید تقوائی: شعار "زنده باد شورا" یک شعار آرمانی و استراتژیک است. این شعار در یک سطح عمومی و اجتماعی مطلوبیت شورا و نقش و اهمیت آن در مبارزه کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی را بیان میکند. این شعار به شورا بعنوان ارکان حکومت سوسیالیستی نیز اشاره دارد. شعار "زنده باد شورا" در کنار شعار "زنده باد جمهوری سوسیالیستی"، بیانگر نوع و شیوه حکومت در این جمهوری است. "زنده باد شورا" یعنی نه به دموکراسی پارلمانی، نه به حکومت و بوروکراسی ما فوق مردم، و نه به کلیت ماشینی دولتی بورژوائی. از

مجمع عمومی خود تشکلی علنی است و مبارزه برای تشکیل آن هم باید به شکل علنی صورت بگیرد. فعالین جنبش مجمع عمومی باید شناخته شده باشند و بطور علنی کارگران را به تشکیل مجمع عمومی فراخوانند. با فعالیت مخفی نه مجمع عمومی و نه هیچ نوع دیگری از تشکلهای توده ای را نمیتوان سازمان داد. تاکید بر علنیت بخشی از بحث حزب و جامعه و هویت بخشی به فعالین چپ در ایران است که یک سیاست اعلام شده حزب ماست و در شماره های قبلی انترناسیونال به تفصیل توضیح داده شده است. در اینجا لازم میدانم فقط این نکته را یادآوری کنم که حتی از نقطه نظر امنیتی و مقابله با پلیس سیاسی کار علنی شیوه ادامه کار تر و امن تری از مبارزه است. بویژه در توازن قوای فعلی برای حکومت تعقیب و دستگیری فعالین سرشناس جنبش کارگری بسیار مشکل تر از فعالین مخفی است که چون ناشناسند دستگیری آنها با اعتراض و مقاومت چندانی روبرو نمیشود. مورد دستگیری فعالین کارگری در سقر در اول ماه امسال و کمپین موفق که برای آزادی آنها به راه افتاد نمونه روشنی از امکانپذیری و کارائی فعالیت علنی است. جنبش مجمع عمومی را هم تنها با چنین شیوه ای میتوان سازمان داد.

و بالاخره بر همبستگی و یکپارچگی فعالیت در دامن زدن به جنبش مجمع عمومی باید تاکید کرد. مجمع عمومی در سطح یک کارخانه تشکیل میشود اما این امر به این معنا نیست که فعالین جنبش مجمع عمومی در هر کارخانه تنها هستند. جنبش مجمع عمومی یک حرکت فرا کارخانه ایست و باید در همبستگی و اعلام حمایت و حمایت متقابل در کارخانه و بخشهای مختلف جنبش کارگری به پیش برده شود. کارگران فعال و رهبران عملی در کارخانه ها و بخشهای مختلف تولیدی میتوانند و باید در تماس و هماهنگی با یکدیگر عمل کنند. در این مورد هم رهنمودهای حزب در بحث هویت بخشی به فعالین چپ را باید مد نظر قرار داد و بکار بست.

انترناسیونال: آیا منظور از این قرار اینست که در تناسب قوای امروز تشکیل شوراهای کارگری ممکن است؟ آیا با این قرار حزب

پایدار تبدیل بشود. در حال حاضر مجامع عمومی تنها در رابطه با یک مساله و مبارزه معین تشکیل میشوند و با اتمام مبارزه عمر مجمع عمومی هم تمام میشود. این وضعیت را باید تغییر داد. این کاملا طبیعی و قابل انتظارست که شروع کار مجمع عمومی در یک کارخانه سازماندهی یک اعتراض معین باشد ولی فعالیت و مضمون کار آن باید از آن اعتراض معین فراتر برود. مجامع عمومی را باید منظما تشکیل داد و در مورد هر مساله ای که کارگران دارند، حتی اگر نخواهند برای حل آن دست به اعتصاب و اعتراض بزنند، به بحث و تبادل نظر پرداخت. طبعاً وقتی اعتراض و مبارزه معینی در جریان باشد مجمع عمومی ضرورت و مطلوبیت خود را بیشتر نشان میدهد و بهمین خاطر اولین وظیفه رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری شکل دادن به مجامع عمومی در دل مبارزات جاری در کارخانه هاست اما در کنار پایه گذاری مجامع عمومی در دل مبارزات و همپای آن باید برای منظم کردن جلسات مجمع عمومی و ادامه کاری آنها نیز کوشید. یک دستاورد مهم و نشانه موفقیت هر حرکت اعتراضی در یک کارخانه میتواند تشکیل مجمع عمومی و تثبیت سنت مجمع عمومی باشد. این بعهده فعالین جنبش کارگری است که در دل هر اعتراض و مبارزه معین مطلوبیت و ضرورت و امکانپذیری تشکیل مجمع عمومی را به کارگران نشان بدنند و از کارگران بخواهند که منظما در جلسات مجمع عمومی گرد بیایند. این امر با توجه به شرایط حاضر و جو اعتراضی که در کارخانه ها و در کل جامعه وجود دارد کاملا ممکن و عملی است. به نظر من اصولا با هر توازن قوایی میشود مجامع عمومی را تشکیل داد. تناسب قوا بین کارگران و حکومت میتواند مضمون کار و اهداف و خواستههای مجمع عمومی را تحت تاثیر قرار بدهد ولی نفس وجود مجمع عمومی و تشکیل آن در هر شرایطی امکانپذیر است.

نکته دیگری که باید بر آن تاکید کرد علنی بودن فعالیت برای تشکیل مجامع عمومی است.

مبنتی بر مجمع عمومی است اما شوراهای لزوما از پائین و از دل مجمع عمومی تشکیل نمیشوند. این کاملا ممکن است، و در تجربه انقلاب ۵۷ هم این را شاهد بودیم، که فعالین جنبش شورائی در سطح یک کارخانه و یا یک صنعت و رشته تولیدی شورا را اعلام کنند و بعد توده کارگران را به پیوستن به شورا فرا بخوانند. مجمع عمومی در واقع بدنه اصلی و ساختار تشکیلاتی شورا است و نه لزوما پیش شرط تشکیل آن. روشن است که در صورتیکه شرایط آماده نباشد اعلام شورا روی کاغذ خواهد ماند، اما در صورت فراهم بودن شرایط در بسیاری از موارد تشکیل هیاتهای موسس و اعلام شورا تشکیل مجامع عمومی را تسهیل میکند و کوتاهترین و سریعترین راه برای تشکیل شوراهاست. همه بحث بر سر همین تشخیص درست شرایط و به موقع عمل کردن است. به نظر من در جامعه ای که هر یکی دو هفته یکبار شوراهای شهری اتفاق میافتد، و یا کانونهای دفاع از کودکان در شهرهای مختلف تشکیل میشوند، اعلام شوراهای و سپس مبنتی کردن آنها بر مجمع عمومی هدفی دور از دسترس نیست. لاف در شهرهای کردستان که موازنه قوای مساعد تری برای اعتراض و مبارزه وجود دارد تشکیل هیاتهای موسس شوراهای و اعلام شورا در کارخانه ها و یا رشته های معینی از تولید کاملا امکانپذیر است.

رهبری جنبش سرنگونی و انقلاب جایگاه تعیین کننده ای دارد. هم از این نقطه نظر و هم بخاطر نقش تعیین کننده ای که شوراهای در مبارزات همین امروز کارگران و توده مردم میتوانند داشته باشند شعار "زنده باد شورا" یکی از شعارهای اصلی حزب ما در این دوره خواهد بود.

شعار "پیش بسوی تشکیل شوراهای" معنای مشخص تر و عملی تری دارد. این شعار هدف معین تشکیل شوراهای را اعلام میکند و فعالین و رهبران عملی کارگران و مردم را فرا میخواند که برای رسیدن به آن هدف دست بکار بشوند. همانطور که در سؤال قبلی اشاره کردم این هنوز لزوما بمعنای تشکیل فوری شورا نیست ولی به این معنا هست که جنبش شورائی را میتوان همین امروز و فورا سازمان داد. اینکه شوراهای عملی تشکیل میشوند تماما به فعالیت و شیوه پیشروی ما بسوی تشکیل شوراهای بستگی دارد. بدون فعالیت آگاهانه و نقشه مند برای برپائی شوراهای، شورائی در کار نخواهد بود.

انترناسیونال: برای تشکیل شوراهای اصولی قائل هستید، مثلا شوراهای باید حتما از پائین تشکیل شوند؟ چرا شبکه ای از فعالین کارگری در یک صنعت معین و یا مجموعه صنایع یک منطقه نمیتوانند پیشقدم تشکیل شوراهای شوند؟ **حمید تقوائی:** شورا سازمانی

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ گفتگو با علی جوادی



حاضر تفاوت‌های معین و قابل مشاهده‌ای با شرایط زندگی مردم تحت حاکمیت سیاه طالبان دارد.

اما تفاوتها تنها قابل مشاهده نیستند. تشابهات هم برجسته و عریان هستند. بهرحال میان آنچه که امروز در افغانستان موجود است با آنچه که حق و شایسته مردم است، یعنی آزادی و برابری و رفاه، فاصله و شکاف عظیمی وجود دارد. یک دریا فاصله. مسلماً نفس اینکه زنی میتواند کاندید رئیس جمهوری شود در مقایسه با شرایط زنان در زمان طالبان نشاندهنده تغییر قابل مشاهده و "پیشرفتی" است. نشاندهنده موقعیت تغییر یافته زن در جامعه است. اما کدام تغییر؟ سؤال این است. تغییر از شرایط قرون وسطی و عصر حجری تحمیل شده به زن در افغانستان به شرایطی مشابه موقعیت حقوقی و رسمی زن در جمهوری اسلامی. این جوهر تغییر است. آیا این تعریف آزادی و رهایی زن است؟ این تغییرات تفاوت چندانی با پروژه خاتمی در حاکمیت رژیم اسلامی ندارد. در جمهوری اسلامی افغانستان هم زن کماکان انسان فرودست است. برابر و آزاد نیست. تحت مالکیت مرد است. مرد صاحب جنسی و حقوقی زن است. شرایط زن در "پیروزی دموکراسی" حتی با شرایط زن در رژیم پروروسی ببرک کارمل هم قابل مقایسه نیست. بهرحال در مقایسه با طالبان هر تغییری "پیشرفت" است. اما آیا طالبان مبنای ارزیابی موقعیت بهتر زن در جامعه افغانستان است؟ چه بسر جهانشمولی حقوق زن آمده است؟ چه بلایی سر حقوق و دستاوردهای زن در جامعه بشری آمده است که نمیبایست مبنای "پیشرفت" و ارزیابی قرار گیرد؟ آیا باید بپذیریم که عصر حاضر دوران معیارها و اخلاقیات دوگانه و نسبیت فرهنگی است؟ نسبیت فرهنگی فلسفه و ارزشی جز ارتجاع محض نیست.

واقعیت این است که اکثریت زنان در افغانستان همچنان در ترس و وحشت ناشی از زن ستیزی حاکم بر جامعه بسر میبرند. سایه شوم طالبان و نیروهای مرتجع اسلامی و سنت مردسالارانه همچنان بر جامعه بروشنی قابل رویت است. هنوز اکثریت زنان در ترس و اضطراب یا در "خانه‌ها" زندانی هستند و یا محکوم به زندگی در سلولهای

هستند که با دستجات مسلح خود، با اسلام خود، با ضدیت خود با زندگی و مدنیت، زندگی و حقوق مردم را به گروگان گرفته اند. ارتش تازه تاسیس افغانستان هم یکی دیگر از همین دستجات مسلح ضد مردم است. "انتخابات" افغانستان انتخابی اساساً میان چنین موجودات کریهی برای حاکمیت بر مردم است. میگویم اساساً چرا که تنها کانیدی که دارای چنین سابقه ای نیست، زنی به نام مسعودا جلال است. در یک جامعه آزاد اکثریت این "کاندیدها" باید به جرم جنایت علیه مردم در پشت میز محاکمه قرار داده میشدند.

اما "سرنوشت" و "نتیجه" انتخابات افغانستان از پیش روشن است. این انتخابات تشابه زیادی با مضحکه انتخاباتی در رژیم اسلامی دارد. سرنوشت انتخابات از پیش روشن است چرا که قانون اساسی افغانستان ایجاد یک "جمهوری اسلامی" و "حکومت اسلامی" را پایه گذاری کرده است. تمامی "کاندیدها" به اسلام و قوانین ارتجاعی و ضد انسانی اسلامی ملتزمند. هیچ قانونی در افغانستان نمیتواند مغایر قوانین اسلامی تصویب شود. اسلام در افغانستان شاخص "دموکراسی" است. این نوع "دموکراسی" را تحلیلهای تخصصی تر مدافعین دموکراسی بازار و سرمایه، "دموکراسی خاورمیانه‌ای" نام نهاده اند. تحلیل گویاتری است. نتیجه انتخابات از پیش روشن بود چرا که همه میدانستند که حامد کرزای که کاندید هیات حاکمه آمریکا در انتخابات افغانستان است، برنده این انتخابات است. تمامی امکانات تبلیغاتی و مالی و نظامی آمریکا برای سر در آوردن کرزای از صنوقها بکار گرفته شدند. تقلب هم که مکان و نقش ویژه خود را داشت.

انترناسیونال: به هرحال امروز زنان برای رای دادن صف میکشند و به روایت خبرگزاریها هجوم می آورند. در حالیکه در دوره طالبان شیشه های خانه ها را هم سیاه کرده بودند. آیا نفس این موضوع پیشرفت محسوب نمیشود؟

علی جوادی: مسلماً وضعیت

دموکراسی در افغانستان سخن میگویند. تحلیل شما از این واقعه چیست؟

علی جوادی: اگر مبلغین دموکراسی غربی، مدافعین دموکراسی بازار و رقابت سرمایه، آنچه که در افغانستان در جریان است را "پیروزی دموکراسی" قلمداد میکنند، شاید من و شما، که سوسیالیست و آزادیخواه هستیم و منتقد دموکراسی از موضع آزادی و برابری بی قید و شرط انسانها، بهتر باشد که این "ارزیابی" را بپذیریم و به بررسی و تحلیل آن آنگونه که مدافعینش مطرح میکنند، پردازیم. از این تبلیغات دول غربی و رسانه هایشان فقط میتوان نتیجه گرفت که پس مساله و درد مردم افغانستان "دموکراسی غربی" نیست بلکه کسب حقوق مدنی و سیاسی و آزادیهای گسترده و بی قید و شرط و برابری زن و مرد و رفع انواع ستم و نابرابری در جامعه است.

اما در همین ارزیابی مدافعین دموکراسی غربی شما معیارها و اخلاقیات سیاسی دوگانه را حتی با شاخص های "دموکراسی غربی" مشاهده میکنید. آنچه در افغانستان از آن "پیروزی دموکراسی" نام میبرند، حتی با وضعیت سیاسی و حقوقی که در غرب موجود است، کاملاً متفاوت است. گویا سهم مردم این گوشه جهان حتی آن نیست که در دموکراسی های غربی در اروپا و آمریکا در جریان است. حدود ۲۰ خانخان نظامی، کسانیکه خود تماماً در کشتار و قتل عام مردم و ایجاد وضعیت سیاه موجود در افغانستان در دو دهه گذشته شریک بودند، با جمع آوری ده هزار شناسنامه "صلاحیت" خود را برای کاندیداتوری رئیس جمهوری افغانستان "کسب" کردند. هر کدام از "کاندیدها"، از ژنرال دوستم تا یونس قانونی تا حامد کرزای جملگی از "مجاهدین" مسلمانی هستند، چه در رقابت و جنگ و چه در همدستی، جملگی در کنار آدمکشان حرفه ای اسلامیون طالبان به درجات مختلف مسبب فلاکت و جنگ و وضعیت رقت انگیز مردم افغانستان هستند. جملگی مشتکی قاچاقچی مواد مخدر، مشتکی آدمکش، و مشتکی مسلمان مرتجع هستند. کسانی

تبلیغات غرب است. دارند "پیروزی دموکراسی" را در افغانستان جشن میگیرند. اما حتی این روایت هم از اوضاع افغانستان نادرست و کاملاً جعل واقعیات زندگی مردم است. هر کس که اندک آشنایی با اوضاع سیاسی در افغانستان داشته باشد، میداند که دستجات مسلح و خان های مرتجع و قلدر همچنان بر مقدرات زندگی مردم حاکم هستند. همچنان زندگی مردم را خان هر منطقه و باندهای مسلح و سازمانهای تولید و قاچاق مواد مخدر در دست دارند. هر کانیدی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خود یک دسته مسلح داشت. هر کدام از سران مرتجع قبیله ای بودند که زندگی را بر مردم سیاه کرده اند. در افغانستان بر خلاف تبلیغات اكونومیست "رای" بر "اسلحه" پیروز نشده است، دموکراسی غربی با اسلام سیاسی به سازش و توافق رسیده است. این نمونه ای از سازش و توافق میلیتاریسم آمریکا و نیروهای رنگارنگ اسلام سیاسی است. تازه به این هم بسنده نکرده اند، قرار است بنا به گفته حامد کرزای سهمی برای طالبان در قدرت سیاسی باز کنند. دیدنی است! این سهم مردم در "پیروزی دموکراسی" از آزادی و عدالت اجتماعی و خلاصی از اسلام است.

این انتخابات کدام آینده سیاسی را برای افغانستان رقم میزند؟ بنظرم این انتخابات یک حلقه از پروژه نظامی - سیاسی آمریکا، جنگ تروریستها، در افغانستان بود. آمریکا در جنگ با تروریسم اسلامی در افغانستان پیروز شد. جنگ با طالبان بر سر آزادی و رهایی مردم افغانستان نبود. جنگ با طالبان بر سر نابودی تروریسم اسلامی نبود. بر سر هژمونی

انفرادی "برق" و "حجاب" هستند. در این "انتخابات" هم اکثریت زنان به دلایل ناشی از ترس و تهدید همچنان خانه نشین بودند. "استقبال" گسترده زنان بخشی از تبلیغات رسانه های غربی برای حفره کردن پروژه هیات حاکمه آمریکا در جنگ تبلیغاتی است. این تبلیغات فقط نشاندهنده این است که چقدر حقوق زن در "پیروزی دموکراسی" با حقوق زن در جامعه ای آزاد و برابر متفاوت است. برای آزادی بی قید و شرط زن و برای برابری زن و مرد در جامعه افغانستان همچنان باید جنگید. زن در افغانستان همچنان در اسارت اسلام قرار دارد. جامعه هنوز در چنگال مذهب گرفتار است. فقر و فلاکت از سر و کول جامعه بالا میروند. نبردهای اصلی هنوز در پیش رو است. این کار نیروهای آزادیخواه و برابری طلب است. این کار جنبش ماست. در این مصاف نیروهای "پیروزمند دموکراسی" در نقطه مقابل قرار دارند.

انترناسیونال: اكونومیست این واقعه را انتخابات در "کشور سرداران محلی" نام نهاده است. کرزای هم در روزهای اخیر گفت که طالبانها میتوانند در سیاست کشور دخالت کنند. موضوع چیست؟ با این نیروها که در دوره های مختلف علیه هم جنگیده اند، این انتخابات کدام آینده را برای افغانستان ترسیم میکند؟ جنگ با طالبان برسر چی بود؟

علی جوادی: نشریه دست راستی اكونومیست میخواهد بگوید در جامعه ای که خانخانی نظامی حکومت میگرد، "دموکراسی" و "انتخابات" پیروز شده است. دارند میگویند که "سرداران محلی" "رای" را جایگزین "اسلحه" کرده اند. همانطور که اشاره کردم این جوهر



ترکیه: جان پناهندگان در خطر است!

گفتگو با مینا احدی دبیر فدراسیون

و دارمشتات و از مسئولین یوان در ژنو تقاضای يك نشست رسمی در مورد این مسائل کرده و با ارسال يك نامه به وزیر داخله ترکیه به این رفتار اعتراض کرده ایم. ما در کمپینی که به پیش میبریم در عین حال خواهان انتقال فوری پنج نفر از فعالین فدراسیون، به يك کشور امن هستیم که آنها هم جزو کیس شمال عراق بوده و با وجود اینکه برای رژیم اسلامی شناخته شده هستند و در صورت دبیورته به ایران جانشان بطور قطع به خطر می افتد، هنوز به يك کشور امن انتقال داده نشده اند. اینها کسانی هستند که پاسخ مثبت دارند و سالهای سال است که بر علیه حکومت اسلامی فعالیت سیاسی میکنند.

انترناسیونال: ظاهراً باید اقدام فوری و گسترده ای صورت بگیرد. فراخوان فدراسیون به ایرانیان مقیم اروپا و آمریکا چیست؟ چه اقداماتی میشود بصورت وسیع انجام داد؟

مینا احدی: باید از هر طریق ممکن به دولت ترکیه و یوان اعتراض کرد. میتوان نامه اعتراضی نوشت و طومار اعتراضی فدراسیون را امضا کرد، میتوان در مقابل سفارتخانه های ترکیه تجمع کرد و به این رفتار دولت ترکیه اعتراض کرد، میتوان با مسئولین یوان نشست داشت و رسماً به این رفتار اعتراض کرد. میتوان تحصن و تظاهراتی گسترده سازمان داد و صدای اعتراض هزاران پناهجو را که سالهای سال است با بلاتکلیفی و سرگردانی و فقر و ناامنی دست به گریبان هستند به گوش جهانیان رساند. باید کاری کرد. با فدراسیون تماس بگیرید و همگام با ما در این کمپین بزرگ انسانی در دفاع از حقوق مسلم پناهجویان فعالیت کنید. *

ژنو در سویس که از طرف دفتر مرکزی فدراسیون انجام گرفت، اینها به بیمارستان انتقال یافتند. اکنون خطر دبیورته کماکان این پناهجویان را در آنکارا و شهر وان تهدید میکند و باید فوراً کاری کرد.

انترناسیونال: فدراسیون چه اقدامی در این زمینه کرده است و برای مقابله با این وضعیت چه برنامه ای دارید؟

مینا احدی: برای فدراسیون موقعیت پناهجویان در ترکیه و اعتراض به رفتار بیشرمانه دولت ترکیه و یوان و دولتهای اروپایی در قبال این پناهجویان، همواره يك موضوع جدی بوده است. ما در ترکیه تشکیلات داریم و مسئولین ما در آنکارا و شهرهای دیگر اگر چه خودشان جزو همین پناهجویان هستند و با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم میکنند، ولی میکوشند به پناهجویان کمک کنند، به دولت ترکیه و یوان فشار بیاورند، با نهادهای مدافع حقوق انسانی و حقوق پناهندگی در ترکیه ارتباط بگیرند و مجموعه فعالیتهایی را در آنجا سازمان دهند. ما در سطح سراسری از مدتها قبل کمپینی را برای انتقال پناهجویانی که به کیس شمال عراق معروفند اعلام کرده و به پیش میبریم، در میتینگهای اعتراضی خودمان و در ملاقات با مقامات اتحادیه اروپا و کمیسیونهای حقوق بشر در اروپا در مورد این پناهجویان حرف زده و خواهان انتقال فوری آنها به يك کشور امن هستیم. هم اکنون برای جلوگیری از دبیورته پناهجویان و اعمال فشار به دولت ترکیه چند میتینگ اعتراضی در شهرهای آلمان در مقابل کنسولگریهای دولت ترکیه و یا اداره خارجیان سازمان داده ایم، از جمله در کلن و هامبورگ

انترناسیونال: آخرین اخبار در باره وضعیت پناهجویان در ترکیه چیست؟ اعتصاب و تحصن به کجا کشید و آیا هنوز خطر دبیورته مرتفع نشده است؟

مینا احدی: هنوز خطر دبیورته رفع نشده است، و بهمین دلیل باید فوراً و وسیعاً به این رفتار غیر انسانی دولت ترکیه اعتراض کرد. دور جدید حملات دولت ترکیه و یوان در این کشور، موقعیت بسیار خطرناکی را برای تعداد زیادی از پناهجویان و کودکان آنها فراهم آورده است. هفته گذشته در شهر وان ترکیه، يك نفر دستگیر شد که فعال سیاسی است و خطر دبیورته وی را تهدید میکند، بدنبال آن تعداد دیگری نیز در این شهر دستگیر شدند و شایعه بازرس فرستادن، دستگیر شدگان به ایران، در سطح این شهر مرزی پخش شد. گفته میشود در حال جمع کردن تعدادی هستند که يك اتوبوس را پر کنند و بفرستند. فعالین سرشناس سیاسی و مخالفین حکومت که جانشان با این دبیورته بطور جدی به خطر می افتد، بخشا مخفی شده و در شرایط بسیار نا امنی بسر میبرند.

از سوی دیگر، روز دوشنبه ۱۱ اکتبر نیز دو پناهجویی که از کردستان ایران هستند، و کیس آنها جزو کیسهای معروف به شمال عراق است، در مقابل "یوان" در آنکارا لبهای خود را دوخته و بدین ترتیب به موقعیت نابسامان و خطرناک زندگیشان اعتراض کردند. پلیس به این تجمع اعتراضی حمله کرد که در جریان حمله پلیس یکی از این دو نفر، با چاقو رگ دست خود را زد و در وضعیتی وخیم بازداشت شد. رفتار پلیس ترکیه چنان بیشرمانه بود که حتی این افراد را به بیمارستان نبرد و اعلام کرد که اینها را به ایران بازرس می فرستد. در اثر اعتراضات برخی سازمانها و نامه های اعتراضی که فوراً ارسال شد و همچنین در نتیجه تماسهای تلفنی با مسئولین "یوان" از جمله در شهر

عومفریبانه دستگاه تبلیغاتی آمریکا بیش از پیش افشا شده و سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا مورد نفرت و انزجار افکار عمومی قرار گرفته است. در چنین شرایطی هیات حاکمه آمریکا میکوشد چشم انداز دیگری را در مقابل افکار عمومی قرار دهد. ظاهراً قرار است افغانستان نمونه موفق پیروزی و کم هزینه آمریکا در جنگ و میلیتاریسم و قلدری باشد.

همانطور که در جنگ تروریسم آمریکا و ناتو با اسلام سیاسی، افغانستان فقط صحنه عملیات و نه هدف عملیات بود. این انتخابات هم نه از نظر آنچه در افغانستان میگردد بلکه از زاویه تحکیم موقعیت سیاسی و کنترل صدمات سیاسی ناشی از مخالفت افکار عمومی با گسترش سیاست میلیتاریستی و تلاش برای تفوق سیاسی در سطح جهان حائز اهمیت است. رویدادهای افغانستان از این جنبه جایگاه ویژه ای در تبلیغات رسانه های هیات حاکمه آمریکا دارند.

انترناسیونال: امروز چه سیاستی را باید در قبال وضعیت حال و آینده افغانستان قرار داد؟ کمونیستها و آزادیخواهان در افغانستان چکار باید بکنند؟

علی جوادی: بطور خلاصه و در چند جمله؛ باید کمپین افشاگری وسیعی را در سطح بین المللی بر علیه شرایطی که آمریکا و متحدین اسلامی اش بر مردم در افغانستان تحمیل کرده اند، سازمان دهی کرد. باید در مقابل کمپین ارتجاعی دستگاههای غرب ایستاد. باید سیاست ارتجاعی نسیت فرهنگی را که سهم مردم افغانستان را چیزی کمتر از پیشرفته ترین و گسترده ترین آزادیهای سیاسی و حقوقی و مدنی در سطح جهان میداند، نقد و افشاء کرد. افغانستان يك جامعه اسلام زده و فقر زده و به اسارت گرفته شده است. باید برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، برای برابری زن و مرد، برای رفع ستم بر زن مبارزه ای گسترده را سازمان داد. ۹۰٪ مردم زیر خط فقر که معادل ۲ دلار در روز است زندگی میکنند. مردم خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند. باید برای آزادی و برابری و رفاه مبارزه کرد. *

میلیتاریسم آمریکا در مقابله با اسلام سیاسی بود. آمریکا بسادگی در این جنگ پیروز شد. قادر شد هژمونی خود را حاکم کند. هر چند که این هژمونی بسیار شکننده و بی ثبات است. با اتمام این مراسم ظاهراً مردم افغانستان آزاد و برابر شده اند. حاکم بر سرنوشت خویش شده اند. این ارزش مصرف "انتخابات" افغانستان در غرب است. از اینروست که شرودر عازم کابل میشود. با اتمام این انتخابات میلیتاریسم آمریکا تلاش میکند مشروعیتی دو باره به جنگ خود با تروریسم اسلامی بدهد. مبلغین "ژورنالیستهای" همیشه باوجدان" رسانه های اصلی غرب از هم اکنون مشغول به کار شده اند. سرنوشت مردم افغانستان اما همچنان در اسارت اسلام سیاسی و رژیم مرتجع جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد. امروز موضوع تغییر در افغانستان همین وضعیت نابهنجار است. مردم در افغانستان بی حقوق و محروم و فقر زده و اسلام زده هستند. به این وضعیت باید خاتمه داد.

انترناسیونال: تبلیغات حول این انتخابات وسیع بود، از جمله در کمپینهای تبلیغاتی انتخابات خود آمریکا. چرا؟

علی جوادی: برگزاری این انتخابات حلقه ای دیگر از پروژه ماشین نظامی آمریکا و ایجاد "الگوی دمکراسی خاورمیانه ای" در افغانستان بود. این انتخابات اهمیت ویژه ای برای هیات حاکمه قلدر و میلیتاریست آمریکا در سطح بین المللی و همچنین در سطح داخلی آمریکا در گرماکرم کمپین انتخاباتی ایفا میکرد.

چرا اینهمه تبلیغات حول این انتخابات؟ در شرایطی که جنگ و تهاجم نظامی آمریکا در عراق شیرازه زندگی و مدنیت را از هم گسسته است، در شرایطی که تروریسم اسلامی و تروریسم ناتو هر روز فجایع جدیدی خلق میکنند، چه از سر بریدن و گردن زدن و چه از بمباران مناطق مسکونی مردم توسط ارتش آمریکا. در شرایطی که زندگی در عراق اسیر جنگ دستجات مسلح اسلامی و ماشین جنگی آمریکا شده است، در شرایطی که بهانه های جنگی و

تاکید بر کمونیسم و پرداختن به انقلاب کارگری امیدوار میکند

گفتگوی شهلا دانشفر با آرش سمیعی از فعالین کارگری در ایران

ضروریات و نیازهای جنبش نشات میگرفت، و تاکید دوباره در کنگره ۵ در این خصوص، کار روتین با فعالین داخل برای به اجرا در آوردن آن بایستی در اولویت قرار گیرد. در گامهای بعدی ما باید روی این سیاست انرژی فوق العاده گذاشته و به اعتقاد من گره گاه اصلی در تبدیل شدن به یک حزب اجتماعی در به اجرا در آوردن این قطعنامه نهفته است. بهر حال در این دوره حزب باید با تمام امکانات تبلیغی و رسانه ای خود از نشریات حزب گرفته تا رادیو و تلویزیون در جهت عملی نمودن این سیاست حرکت کند. نشریات حزب و رادیو و تلویزیون باید سمت و سو دهنده افکار رهبران عملی اعتراضات و مبلغین و مروجین و فعالین حزب برای هدایت سیاستهای حزب باشد.

گذشته به انقلاب و جنبش کمونیستی کارگری در مصوبات کنگره ما را بیش از پیش امیدوار میکند و به تبع آن توقعات ما را تا حدود زیادی پاسخ میدهد.

شهلا دانشفر: اکنون پس از کنگره موقعیت حزب را چگونه می بینید و فکر میکنید که حزب باید چه اولویت هایی را در دستور خود بگذارد؟

آرش سمیعی: حزب اولویت های خود را از شرایط مبارزه جنبش کمونیستی کارگری در هر مقطع از حیاتش اتخاذ مینماید. امروز این جنبش ستون فقرات جنبش سرنگونی طلبی در ایران است. بعد از مطرح شدن قطعنامه ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی اعتراضات کارگری در کنگره ۵، که کاملاً با شرایط مبارزه اجتماعی مطابقت داشته و از

شهلا دانشفر: کنگره ۵ کنگره ای بود که بیش از هر وقت ما شاهد دخالت فعال کادرها و اعضای حزب در سوخت و ساز سیاسی حزب بودیم. پیام های زیادی در این کنگره از داخل ایران به ما رسید. شما خودتان به کنگره پیام دادید. سوال من اینست که تا چه حد این کنگره توانست به توقعات شما پاسخ دهد؟

آرش سمیعی: این کنگره در عمل بنا به ضرورت تعیین تکلیف سیاسی با دیدگاههای متفاوت و کاملاً راست مطروحه از طرف کوروش مدرسی فراخوان داده شد ولی در اهداف خود فوق العاده فراتر رفت. همانطور که قطعنامه های مصوب نشان میدهد برخورد به دیدگاه منشعبین به یک موضوع فرعی کنگره تبدیل شد. تاکید بر کمونیسم منصور حکمت و پرداختن جدیتر و با قدرت تر از

از آنجا که:

۱- با اوجگیری جنبش سرنگونی علیه رژیم اسلامی سازماندهی توده ای مردم به یک امر روز و عاجل تبدیل شده است.

۲- ضروری است که از هم اکنون تصویر و افق روشنی از نظام آلترناتیو حکومتی ما یعنی جمهوری سوسیالیستی به جامعه داده شود.

از اینرو:

تبلیغ شوراهای هم پیمانه تشکل مبارزاتی توده مردم و هم بعنوان ارکان جمهوری سوسیالیستی و تلاش برای تشکیل این ارگانها در محور سیاست سازماندهی توده ای ما قرار میگیرد.

بدین منظور حزب وظیفه دارد

- فعال تر و گسترده تر از گذشته به جنبش مجمع عمومی دامن بزند و سازماندهی مجامع عمومی در کارخانه ها و محیطهای کار را در دستور قرار بدهد.

- بیش از پیش بعنوان پیشرو و پرچمدار جنبش شورائی و سازمانده شوراهای در جامعه ظاهر شود. و در هر جا و هر زمان که شرایط و تناسب قوا اجازه دهد شوراهای کارگری و توده ای را سازمان بدهد. - در صورت مساعد بودن شرایط برای تشکیل شوراهای با تاکتیکهائی نظیر ایجاد و اعلام هیات موسس شوراهای، بکوشد.

- شعار "زنده باد شورا" و "پیش بسوی تشکیل شوراهای" را وسیعاً طرح و تبلیغ کند.

صحنه واقعی انتخابات در ایران

از صفحه ۱

سناریوی حیات جمهوری اسلامی است. و هیچ راه گریزی جز سقوط و سرنگونی پیش روی رژیم قرار نمی دهد. آلترناتیو دولت سپاه پاسدارانی و اعلام رسمی حکومت نظامی هیچ راه گریزی برای خلاصی از این چنبره باز نخواهد کرد، بلعکس عمق بحران را تشدید خواهد کرد. مردم رغبت، علاقه و یا توجه چندانی به این مضحکه ندارند، و به نظر میرسد که دیگر حتی مایه سرگرمیشان هم نیست. مردم در کوچه و خیابان و کارخانه دارند آرایشان را اعلام میکنند، مردم جانشان به لبشان رسیده، حکومت اسلامی نمی خواهند، نه این ملا و یا آن پامنبری مکلارا.

این انتخاب اصلی مردم است. بگذار حکومتی ها همدیگر را پاره کنند، مردم از سروکول کل نظام بالا خواهند رفت و کلیت نظام را به پائین خواهند کشید. این صحنه واقعی انتخابات در ایران است. *

علمیه قم که روحانیون در حکومت دینی محبوبیت خود را از دست داده اند و بخاطر اینکه "محبوبیت آنها نزد مردم خدشه ناپذیر باقی بماند باید از مقامات اجرای کنار بروند. مجموعه گزارشات از عمیقتر شدن بحران حکومتی جمهوری اسلامی که شدت زیر ضرب و فشار مردم است حکایت میکنند. جمهوری اسلامی در آخرین بحران بقایش دست و پا میزند، سران ریز و درشت آن دارند همدیگر را پاره میکنند، پایان کار دوخرداد پایان بحران حکومتی در جمهوری اسلامی نبود، دوران عمیق شدن بحران و سرباز کردن شکافها و دسته بندی های جدید در کلیت نظام است. هرچه فشار مردم به حکومت بیشتر میشود، شکف درونی رژیم عمیقتر میشود، هرچه شکاف حکومتی بیشتر میشود، طغیان و شورش و تظاهراتهای مردمی عمق و بعد گسترده تری پیدا میکند. این آخرین

روحانیون مبارز" و رد این کاندیداتوری از طرف میر حسین موسوی.

* اعلام حمایت بخش دیگری از سران دو خرداد در حزب کارگزاران سازندگی، حزب اسلامی کار و خانه کارگر از نامزدی هاشمی رفسنجانی برای این پست.

* اعلام نام علی لاریجانی، علی اکبر ولایتی و محمود احمدی نژاد بعنوان کاندید رئیس جمهوری از طرف محافل از جناح طرفدار ولی فقیه.

* نامه تند علی مطهری یار غار علی لاریجانی کاندید اصلی سپاه پاسداران در مضحکه انتخابات به هاشمی رفسنجانی در مورد ناصالح بودن هاشمی برای این پست بدلیل سواستفاده های مالی خاندان رفسنجانی و بدنام بودن ایشان.

* خبر طرح اصلاح قانون انتخابات در مجلس و گذاشتن شرط سنی برای پست رئیس جمهوری و طرح این موضوع در پستهای حوزه

ستون اول

از صفحه ۱

مختلف مردم قرار بگیرد. تغییر نگاه جامعه به کودک، تلاش برای تغییر قوانین به نفع کودکان، حمله به منافعی که کودکان را بیحقوق و محروم نگاه میدارد، دفاع از امنیت و رفاه و آسایش و شادی و آموزش و سلامت کودکان، مستقل از موقعیت اقتصادی خانواده، با حمایت دهها میلیونی مردم رویرو میشود. این يك پلاتفرم مهم انقلاب کارگری و سوسیالیستی در ایران است. کودکان مقدم اند بر هر منفعتی، اعم از مذهبی و ملی و نژادی و اقتصادی و ایدئولوژیک! رفتار با کودکان و درجه احترام به حقوق و شخصیت کودک، يك شاخص مهم پیشرفت در هر جامعه است. درود به سازماندهندگان و دست اندرکاران و شرکت کنندگان این اجتماعات!

کودکان مفقود شده بم، اعتراضی بود به موقعیت کودکان خیابانی و کودکان کار، پرچمی بود علیه محرومیت کودکان از تحصیل و آموزش، جوابی بود به راسیسم جمهوری اسلامی علیه کودکان مهاجر! جشن و شادی کودکان صدای رسائی بود علیه قوانین ضد کودک جمهوری اسلامی و فرهنگ و سنت کودک آزار!

این سنت اعتراضی باید وسیعاً گسترش یابد. این جنبشی است که بارقه های امید، شادی، زندگی، تعاون، برابری، عشق و آزادمنشی جامعه را بنمایش میگذارد. امید به اینکه سرنوشت انسان امروز میتواند تغییر کند و باید به نیروی متشکل ما تغییر کند. این نهادها و حرکات باید وسیعاً تکثیر شود و وسیعاً مورد حمایت بخشهای

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!